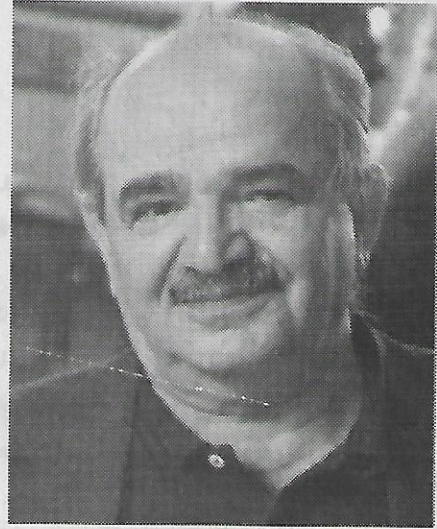


کیفر خواستی علیه واپس گرایی...



حسین مهری

این سخن از گاندی ست که می گفت:

«دلم می خواهد پنجره های اتاقم را باز بگذارم تا از نسیم فرهنگ های متفاوت که بوی گل های رنگارنگ را از دیگر نقاط جهان به خانه من می آورد، لذت ببرم، اما اگر نسیم به توفانی تبدیل شود که بخواهد مرا از جا بکند پنجره ها را خواهم بست...»

آری راز رشد بی همتای آمریکای جوان در باز بودن پنجره ها برای ادغام فرهنگ های متفاوت و ارزشمند جهانی بوده است.

چندی است با اثری آشنا شده ام به نام «لحظاتی برای تفکر» نوشته آقای نورالله گبای، که با این کلام پر معز و نغز گاندی بزرگ، دریچه یی از افکار و آراء دلپذیر را به روی خواننده می گشاید.

این کتاب که به زبانی روشن و به دور از تنگ نظری ها و سرشار از اندیشه های پر مایه در باب اعتدال گرایی و وسعت مشرب و سعه ی صدر و مدارا و رواداری، پرداخته شده است، در حقیقت رو در رویی خردگرایی ست با مذهب قشریت، با مکتب موهوم اندیشی و خرافه پردازی و خشک اندیشی و تاریک اندیشی مذهبی و ایدئولوژیک و این که کهنه پرستی باید معدوم شود.

■ **بال های اندیشه...**

نویسنده که نقطه عزیمت اش، افشای جمود و جزم اندیشی برخی آباء مذهبی یهود است، سپس بال های اندیشه را گسترانده، مجموعه خشک اندیشی ها، موهومه پرستی ها و خرافه اندیشی ها

را در همه فرهنگ ها و ایدئولوژی ها و کیش ها هدف قرار می دهد، می گوید:

واپس گرایی و بنیادگرایی و خشونت گرایی در سراسر تاریخ، جز آن که رشد فرهنگ ها را به تاخیر انداخته و خون ریخته و کتاب ها و کتابخانه ها را سوزانده، کاری نکرده است.

نویسنده «لحظاتی برای تفکر» تاکید می ورزد که جهان، جهان تعقل و تکامل است و تکامل مانند زایمان یک مادر است که کسی را اختیاری در روند طبیعی توقف آن نیست و هیچ دین و مرام و قدرتی، جز همگامی و تطبیق با زمان، راهی در برابر خویش ندارد. اگر نفس دین، مبنی بر تحول مدام نیست ولی درک انسانی، هر روز و در هر نسلی، همراه با گردش چرخ های تکامل رو به تحول و ترقی دارد.

■ **دل آزار و جان فرسای...**

نویسنده جا به جا اشاره می کند به عنوان کسی که از گزند دل آزار و جان فرسای واپس گرایی ها و خشک اندیشی ها و تاریک فکری ها به جان آمده در حد خود، مسئولیتی را احساس می کند و قاطعانه باور دارد که یکی از رازهای حفظ بقای کیش ها و آیین ها، زدودن خرافات و موهومات غیر عقلانی و طرد مروجان این شیوه های نامطلوب است. او می گوید هیچ راهی در جهان معاصر وجود ندارد مگر آن که منطق تعقل را جایگزین تقلید گردانیم.

او می افزاید هر نسلی برای بقای باورهای منطقی خویش، نیازمند تحول و محتاج تطهیر اندیشه است، نه ادامه تحجر و تبلیغ خشک اندیشی. نویسنده از گزند گزنده درد است که فریاد مسئولانه اش را هر چه رساتر سر می دهد. می گوید وقتی تعصب و کوتاه نظری و کهنه پرستی پا در میان گذاشت، همه چیز مسخ می شود و بخصوص وقتی مسائل بغرنج و کهن آیینی پیش می آید، حتی روابط خانوادگی را هم به خطر می اندازد و خصومت درون - خانوادگی به بار می آورد.

نویسنده که کهنه پرستان و جمودگرایان را به درستی می شناسد و خطر وجودشان را در هر دین

و آیین و ساختاری باز می نماید، هرگز به تندروان آیینی توهین نمی کند، چون براین باور است که وظیفه او روایت است و هدایت و نه شکایت. می گوید دیگر بس است. کهنه پرستی را کنار بگذاریم. جهان جهان تعقل و روند مقاومت ناپذیر تکامل است و جوانان و توده مردمان را به دین آغشته به خرافات، فرو نیندازیم. راستی را مذهب و آیین، برای انسان تعبیه شده بود، نه انسان برای مذهب و آیین.

او می گوید احکام بی پیرایه هر آیین باید به جلو و به فردا و پس فردای تاریخ، بنگرند، نه به واپس، زیرا این احکام همانند نردبانی برای ترقی و اعتلا و صعود ما تعبیه شده اند، اما در کف کهنه پرستان و کوتاه نظران مسخ شده، به نردبانی بدل شده اند که بعضی از پله های آن را کنده اند و این همانا خطر سقوط پیش می آورد. ایمان ما جوهری گرانبهاست که به ما عطا شده است. اجازه ندهیم به ویروس خرافه آلوده گردد.

■ **عامل جان ستان...**

در جامعه، نیش خوردگانی که زهر خرافات به جانشان سرایت کرده کم نیستند، ولی کسانی مانند نویسنده «لحظاتی برای تفکر» از بن جان، این دردها را بیرون می ریزد و نمی گذارد به عاملی جان ستان بدل شود. او می گوید با هر کس که بخواهد جامعه را از مسیر تعقل منحرف کند و آن را در بیغوله ها و سرداب های خرافات مذهبی زندانی کند و انسان ها را مانند خفاش های نورستیز در ظلمت جهل و بی خردی زمین گیر سازد، باید در آویخت. آن کس که می اندیشد همه حقیقت، نزد اوست اشتباه می کند چون همه چیز را همگان دانند. آشو زرتشت گفته است: به بهترین سخنان گوش فرا دهید و آن ها را با اندیشه های روشن سنجید. آنگاه هر کس می تواند راه خود را آزادانه برگزیند.

و بودا، حکیم دیگری از شرق می گوید: ما نباید گفته یی را تنها به این دلیل که دیگران گفته اند باور داریم. نباید خبرهای دیگران را تنها به این خاطر که از قدیم به ما رسیده اند بپذیریم. نباید

دنباله در صفحه ۱۰۰

واقعی عقاید بسیاری از رهبران دیروز و امروز ادیان است.
این همه جنگ و جدل حاصل کومه نظری است گر نظر پاک‌کنی، کعبه و میخانه یکی است

است. تنها و تنها راه درگرداب این آشوب‌ها، این است که بکوشیم خانواده و جامعه مان از گردونه تعادل و اعتدال خارج نشود. مذهب کنترل نشده، آتش خانمانسوز است. نتیجه فرار و تنفر از دین و سرکشی جوامع در برابر ادیان است. چهره در هم شکسته امروز ادیان، گویا و نمایانگر سیمای

خواهد داشت که به آن درجه از تمدن برسد که اختلاف عقیده‌ها که دین بنیادگذار آن بوده منجر به جدایی‌ها و دشمنی‌ها و بی‌وجدانی‌های به دور از اخلاقیات نگردد. امروز بزرگترین خطری که دنیا را تهدید می‌کند مقوله دین